

پرهیز از سوء رفتارهای پژوهشی و ارائه راهکارهای مهاری

فرشته تقوی*^۱ و علی اکبر صبوری^۲

چکیده

سوء رفتار پژوهشی به عنوان نقض غیر قابل تشخیص مکاشفات علمی، در عصر کنونی پدیده‌ای در حال رشد است. آنچه این پدیده را حایز اهمیت نموده است، اختلال و آسیب است که بر پیکره دانش، جامعیت و اعتبار آن وارد می‌کند. شکل‌گیری اشکال جدید سوء رفتارهای پژوهشی، هم اکنون تلاش سازمان‌های جهانی را به شناخت و ردیابی اشکال پیدا و پنهان آنها و دعوت از جامعه علمی برای برخوردی مسئولانه و بازدارنده با این جریانات معطوف داشته است. در این مقاله از یک سوزمن مرور موارد جدید این پدیده ناشایست در حوزه مؤلفان نظیر نشر سالامی، موارد حادث آن در حوزه سردبیران یعنی استناد اجباری، مهندسی کاذب ضریب تأثیر مجلات، انتشار هدف دار مقالات مروری معرفی شده است. از سوی دیگر با بیان عوامل مؤثر در از دست رفتن اخلاق پژوهشی، امانت داری علمی و رشد سوء رفتارهای پژوهشی، ضرورت افزایش مسئولیت و تعهد پژوهشگران، راهکارهای کنترل اجتماعی این فرایند مخرب علمی و راه‌های درمان مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: سوء رفتار پژوهشی، سرقت ادبی، استناد اجباری، راهکارهای کنترل، درمان.

* عهده‌دار مکاتبات.

۱. دانشکده علوم زیستی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، تلفن: ۰۲۸۸۴۷۴۱ (۹۸۲۱)+؛ پست الکترونیک taghavif@modares.ac.ir
۲. مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیوفیزیک دانشگاه تهران، تهران.

مقدمه

بندرت عمومی می‌شد. این مسائل در سال ۲۰۰۷ با هشدار از سوی یکی از دانشجویان دوره دکترا به سردبیران در رابطه با انتشار مقاله‌ای در سال ۱۹۹۳ بر اساس سرقت ادبی کامل تغییر کرد. همین موضوع باعث شد تا هیأت تحریریه نشریه یادشده در سال ۲۰۰۹، بخشی را به طور ویژه به «پرهیز از سوء رفتارهای پژوهشی» و اهمیت صداقت در تحقیقات اختصاص دهد.

۱- انواع سوء رفتارهای پژوهشی

پژوهش در واقع به عنوان یک تلاش اصیل و دربرگیرنده ایده‌ای بکر برای پیوستگی و بهره‌مندی از دو جریان دانش (با موجودیتی در حال حاضر یا برخاسته از مطالعات قبلی) است که برای اولین بار به منظور مکاشفه روابط علت و معلولی و نه صرفاً قیاس و انطباق صورت می‌پذیرد. ایده پردازی در این تلاش بر مبنای وجود پاسخ‌های بالقوه به تعدادی سؤال است که به کمک یک روش شناسی هنرمندانه دنبال می‌شود [۶]. خروج از این چارچوب عامل شکل‌گیری سوء رفتارهای پژوهشی است. در این رابطه بخش سلامت و خدمات انسانی آمریکا^۱ و دفتر سیاست‌های علمی و فناوری سه جنبه اصلی انحراف علمی را به صورت جعل^۲ داده‌ها یا نتایج و ثبت یا گزارش آنها؛ دستکاری^۳، تغییر یا حذف اطلاعات یا نتایج و سرقت ادبی تعریف کرده‌است [۶-۸].

۱-۱- سرقت ادبی^۴

سرقت ادبی جرمی جدی است که می‌تواند به «عنوان نسخه‌برداری از عقاید، داده یا متن متعلق به یک شخص (با ترکیب متنوعی از سه مورد نامبرده)، بدون اجازه یا قدردانی و اعتبار لازم تعریف شود [۵، ۲]. تأکید بر موضوع نسخه برداری از عقاید در تعریف یادشده بر دقت مضاعف مؤلفان در آینده پردازی و کافی نبودن بهره‌مندی صرف از نرم افزارهای ردیابی سرقت ادبی [۱] تصریح می‌کند [۲]. بحث اصلی در تمرکز بر مفهوم سوء رفتار پژوهشی آن است که چگونه می‌توان این مفهوم را به فراسوی جعل داده، دستکاری و سرقت ادبی بسط داد. در حالی که آکادمی ملی علوم (NAS)^۵ تمایل دارد این مفهوم را در چارچوب سه مورد فوق محدود سازد، بنیاد ملی علوم (NSF)^۶، دفتر جامعیت تحقیقات (ORI) این تعریف را به موارد دیگری که از چارچوب مورد قبول انحراف یافته‌اند، تسری داده‌اند [۳]. در این ارتباط دیگر مفاهیم دریافت شده تاکنون عبارت‌اند از:

۱-۲- نشر سلامی یا نشر تکه تکه

نشر سلامی به معنای تلاش برای بزرگ جلوه دادن یک پژوهش از

استقلال و آزادی دانشگاهی به عنوان دو ویژگی اصیل در تخصص‌های دانشگاهی، همواره توسعه و تعالی پژوهش را به دنبال داشته است. بدیهی است شالوده این دو خصیصه ارزشمند، فرض خود مراقبتی در جامعه علمی بوده‌است. فرضی که همواره توجهی درخور را می‌طلبد. هر چند شواهد ردیابی شده امروزی بیانگر رشد قابل توجه سوء رفتار پژوهشی در جوامع علمی است [۱، ۲] اما اعتقاد عمومی بر آن است که جوامع دانشگاهی همواره مایل و قادر به تنظیم سوء رفتارهای اعضای خود بوده‌اند [۳].

سوء رفتار پژوهشی مفهومی بسیار حایز اهمیت است زیرا بر نقض غیر قابل تشخیص فرایندهای علمی استقراریافته است. این پدیده ناشایست نه تنها برای جوامع مضراست، بلکه اعتبار آزمایشگاه‌ها، مؤسسات، شرکت‌ها، شخص پژوهشگر و سازمان‌های حامی تحقیقات علمی را مخدوش نموده، به جامعیت علم و ارتباط مؤثر میان محققان نیز آسیب‌های جدی رسانده و ورود یافته‌های نادرست و با اعتبار اشتباه در جامعه علمی و گمراهی محققان را موجب می‌شود [۴].

صرف نظر از دلایل ساده وقوع سوء رفتارهای پژوهشی نظیر سهل‌انگاری [۱]، نبودن مهارت‌های پژوهشی، دشواری‌های ارزیابی منابع اینترنتی، یادداشت برداری‌های نابخردانه [۵]، برخی از موارد سوء رفتار پژوهشی مشاهده شده ناشی از برانگیخته شدن شکلی از طمع دانشگاهی است که حجم وسیع فهرست انتشارات در سوابق علمی فرد را عامل پیشرفت موقعیت و دورنمای شغلی ترسیم نموده‌است. خواستگاه این شکل از طمع در واقع، افزایش فشار ناشی از رقابت‌های علمی، هم برای تصدی مشاغل، بودجه‌های تحقیقاتی و هم تعیین وضعیت یا ارتقای مرتبه علمی بوده‌است که رهاورد آن جز وسوسه محققان بیشتری برای انجام کارها به صورتی راحت‌تر، سریع‌تر و ارزان‌تر نبوده‌است [۲].

هم‌اکنون شواهد ردیابی شده از فزونی گرفتن نگران‌کننده سوء رفتارهای پژوهشی حکایت دارد. افزایش ده برابری تعداد مقالات بازگردانده شده پس از انتشار از سوی مجلات معتبر فقط در یک دهه و تغییر رفتار سردبیران مجلات پژوهشی در برخورد با سوء رفتارهای علمی از گذشته تاکنون خود گواهی بر این مدعاست [۲]. سردبیران یکی از مجلات معتبر در حوزه سیاست‌گذاری‌های علمی با نام مجله سیاست پژوهشی تا پیش از سال ۲۰۰۷، فقط برای سوء رفتارهای پژوهشی موردی گردم می‌آمدند. با افزایش بیشتر این مسائل، کنترل و اداره آنها در بیشتر مواقع با صحبت‌های محرمانه بین سردبیران این مجله و مؤلفان صورت می‌پذیرفت و مسأله مورد نظر،

3 . U.S. Department of Health and Human Services
4. Fabrication
5. Falsification

6. Plagiarism
7. National Academy of Sciences
8. National Science Foundation

وقوع شیوه‌های غیرمعمول استنادسازی، از رتبه بندی ضریب نفوذشان تعلیق کرد[۲].

شکل پیچیده‌تر از دستکاری JIF، کارت‌های استنادی یا انتشار هدف دار مقالات مروری با توافق قبلی میان نشریات است^۲. بر اساس آن چاپ مقاله‌ای مروری در یک مجله، باعث تقویت ضریب تأثیر مجله دیگر به دلیل استناد به شمار زیادی از مقالات پیشین آن می‌شود. بتازگی، شکلی جدید و مرموز از مهندسی کاذب JIF نیز گسترش یافته است که در آن برخی از نشریات با نزدیک شدن به زمان پذیرش مقاله برخی از مؤلفان، افزایش تعدادی منبع حتی بدون استفاده را برای اضافه شدن به مقاله درخواست می‌نمایند. هم اکنون بیشتر دانشگاهیان این مورد را شکل فاحشی از سوء رفتار به وسیله سردبیران نشریات و اساساً اخاذی تلقی می‌کنند. شایان ذکر است چنین سوء استفاده از سوی سردبیران فاقد مسئولیت اخلاقی لازم، مخاطرات جدی را برای مؤلفان تازه کار و آسیب‌پذیر که مایل به پیشرفت سریع‌اند، ایجاد خواهد کرد[۲].

۲- بهانه‌های تأمل برانگیز نویسندگان خاطی و تسریع عدم پذیرش مقالات آنها

توجیه سوء رفتارهای پژوهشی ذهن داوران را بسیار به خود مشغول داشته است. گاهی مؤلف برای دستیابی به مخاطبان بیشتر از طریق انتشار مقاله در نشریات به صورت تکراری تلاش می‌کند که خطای بزرگی است. این بهانه‌جویی با توجه به عصر کتابخانه‌های دیجیتالی و موتورهای جستجوگر، امری غیر قابل باور و صرفاً اتلاف وقت سردبیران است.

عذر و بهانه دیگر در عدم استناد به مقالات موازی در مقالات ارسال شده از سوی دانشجویان، محدودیت ایجاد شده از سوی برخی استادان راهنما برای استناد به خود یا به مقالات در حال کار و گزارش‌های رسمی داخلی است[۲]. بدیهی است آشنا سازی هریک از مؤلفان با میزان اعتبار و قوانین استناد دهی به نسخه‌های قبلی مقاله سؤال برانگیز (چه مقالات ارائه شده در همایش، مستندات رسمی، فصل‌های رساله دکترا یا هر چیز دیگر) و نسخه‌های اولیه مقالات موازی، می‌تواند ضمن روشن سازی مسیر حرکت پژوهشگران، از زمان زیاد صرف شده برای ردیابی مقالات موازی نیز بکاهد.

از دلایل دیگر در عدم ارائه اطلاعات مربوط به مقالات موازی از سوی مؤلفان، تلاش آنها برای قابل شناسایی نبودن مقاله برای داوران هنگام ارسال مقاله عنوان شده است. واضح است این عمل، تلاش تعددی مؤلف یا مؤلفان برای فریب مجله در رابطه با سطح اصالت مقاله تلقی شده و موجبات رد سریع آن را فراهم می‌آورد[۲].

طریق تقسیم یافته‌های منتشر شده از آن به اجزای کوچک‌تر است که به طور معمول کمترین میزان حاد بودن سوء رفتار پژوهشی را به خود اختصاص می‌دهد. در این نوع انتشار به هیچ یک از منابع نشان‌دهنده تولیدات مؤلف در همان گستره اشاره نشده و اغلب به انتشار مطالب با داده‌های تکراری منجر می‌شود[۲].

۱-۳- سرقت ادبی از خود

سرقت ادبی از خود می‌تواند به صورت تلاش یک مؤلف (یا مؤلفان همکار) در دوباره‌سازی یک متن، عقاید، داده، یافته‌ها یا موارد دیگری از مقالات قبل یا قبل تر (یا همزمان) از همان مؤلف یا مؤلفان بدون استناد صریح یا به طریق دیگر بدون قدردانی از آنها تعریف شود؛ این موضوع به طور قطع موجب گمراهی خواننده (بویژه داوران و سردبیران) نسبت به اصالت اثر خواهد شد و شکلی از فریب و صورت حادی از سوء رفتار دانشگاهی را رقم خواهد زد[۲].

۱-۴- انتشار تکراری

نشر تکراری اغلب به صورت مقاله‌ای تعریف می‌شود که بهره‌مندی آن از دانش اصیل و شایستگی لازم برای انتشار به واسطه حضور مقاله یا مقالات قبلی (یا همزمان) به وسیله همان نویسنده و در همان موضوع از دست رفته باشد.

جرائم تحت این عنوان، گستره وسیعی را اساساً از ارسال مقاله منتشر شده (یا تحت بررسی به وسیله یک نشریه) به نشریات دیگر، تا مقالاتی که از نظر محتوا یا متن به میزان بیشتر یا کمتری با یک یا چند مقاله موازی همپوشانی دارند، در بر می‌گیرد. باید توجه داشت که میزان وسیع نشر موازی، باعث می‌شود بررسی هر مقاله به تنهایی و بدون در نظر گرفتن دقیق مقاله (یا مقالات) موازی آن میسر نگردد[۲].

۱-۵- استناد اجباری، مهندسی کاذب ضریب نفوذ نشریات

عدم تمایل برخی از سردبیران نشریات به پیگیری کامل موارد سوء رفتار، خود شکل دیگری از سوء رفتار دانشگاهی را پایه‌ریزی کرده است. درست همانند محققان که در سنجش عملکردهای پژوهشی آنها مقالات وزن شاخصی دارند، مجلات و سردبیران آنها نیز بر اساس شاخص‌های عملکردی خاص بویژه ضریب نفوذ مجله (JIF) مورد قضاوت حتی سخت‌گیرانه‌تر و دقیق‌تر قرار می‌گیرند. این موضوع به طرز قابل پیش بینی باعث مشارکت سردبیران در عملکردهایی نائیسبت و ابهام‌آمیز برای ارتقای ضریب نفوذ نشریه مورد نظر شده است. به همین سبب مؤسسه تامسون روترز^۱ در سال ۲۰۱۲ نزدیک به ۵۰ نشریه را به دلیل

1. Thomson Reuters

2. citation cartel

۳- راهکارهای کنترل اجتماعی برای سوء رفتار علمی

۳-۱- ردیابی و بازدارندگی

سوء رفتار علمی، در واقع بیماری جوامع علمی است و همانند هر بیماری دیگر، سلامت با پیشگیری و کنترل مقدماتی تخلف به جای ردیابی پس از وقوع حاصل می‌شود. در این راستا اطلاع محققان از احتمال ردیابی شان، می‌تواند شیوه‌ای بازدارنده در رفتارهای انحرافی تلقی شود [۳]. نکته شایان ذکر دیگر، اهمیت انجام ردیابی به وسیله افراد صاحب نظر و تیزبین یعنی داوران است که با صرف وقت زیاد و رویارویی با موقعیت‌های ناخوشایند، نشانه‌های واقعی سوء رفتار پژوهشی را قبل از انتشار درک و ردیابی می‌کنند [۲، ۳]. این در حالی است که خوانندگان تخلف را پس از وقوع جرم یعنی پس از انتشار درمی‌یابند [۹].

آموزش و پرورش و عمومی سازی مفاهیم و قوانین پژوهش در دوره‌های تحصیلات تکمیلی بویژه در دوره کارشناسی ارشد نیز از عوامل حیاتی برای پیشگیری از وقوع سوء رفتارهای علمی در آینده محسوب می‌شود. آموزش پژوهشگران در دوره‌های یادشده باید به گونه‌ای باشد تا دانش پژوهان به طور رسمی و غیررسمی رفتارهای برانزده و مستوجب تقدیر یک پژوهشگر را در حوزه پژوهش آموخته و با آن انس یابند و از رفتارهای انحراف یافته از هنجارهای مشترک پژوهشی در تحقیقات دانشگاهی با میل تمام دوری گزینند [۱۰، ۱۱]. مثالی نیکو از اهتمام مراکز بزرگ آموزشی و پرورشی کشور در آشناسازی جامعه علمی با سوء رفتار علمی و پژوهشی و تخلف‌های مرتبط، اقدامات انجام شده از سوی دانشگاه تهران عنوان دانشگاه مادر به صورت کارگاه‌ها، همایش‌ها و تدوین مستندات علمی است. از دیگر عوامل بازدارنده سوء رفتارهای پژوهشی، وجود فضای اخلاقی در یک سازمان و تأثیر شگرف آن بر رفتار اخلاقی اعضای آن سازمان است که باعث می‌شود کسب فضایل اخلاقی آرمان ارزشمندی برای اعضا باشد. سیاست‌های درست سازمانی نیز می‌تواند راهکار دیگری از بازدارندگی و ردیابی باشد. در واقع، سیاست‌های سازمانی آگاهانه، نه تنها محققان را از دخالت در سوء رفتار پژوهشی باز می‌دارد، بلکه آنها را تشویق می‌کند تا موارد مشکوک را نیز معرفی نمایند [۳]. ایجاد تمهیداتی هوشمندانه به وسیله سازمان‌های پژوهشی برای گزارش محرمانه، منصفانه و بدون مقابله به مثل سوء رفتار پژوهشی و همچنین بهره‌مندی مؤسسات از فرایندهایی رسمی (نظیر آنچه انستیتو ملی سلامت^۱ پایه ریزی کرده است) [۱۲] از جمله اقداماتی است که در پیشگیری و کنترل رفتارهای ناشایست ضروری می‌نماید.

۳-۲- تنبیه

مجموعه‌ای از رسوایی‌ها در طول چند دهه گذشته و به چالش کشیده شدن فرضیه کارآمدی نظارت بر خود در جوامع علمی، اغلب به وضع و تحمیل قوانین جدید، روش‌ها و نهادهای نظارتی منجر شده است [۲].

هرچند این قوانین هنوز نیز در موضوعات حاد با ابهاماتی روبرو هستند اما همین ابهامات نیز باعث شده است تا سطوح تنبیه اعمال شده در مورد سوء رفتارها براساس افراد، بخش‌ها و مؤسسات متفاوت باشد [۳].

تصمیم‌گیری در خصوص نوع برخورد با مؤلف خاطی از دادن فرصت مجدد به مؤلف برای اصلاح مقاله ارسالی تا موارد سخت‌گیرانه تر نظیر رد مقاله، اطلاع رسانی به رئیس بخش محل خدمت مؤلف، افشای عمومی تمام حقایق، انتشار اصلاحیه یا جمع آوری رسمی مقاله، مطلع شدن مؤلف از عدم پذیرش مقالات او برای بازه زمانی کوتاه یا طولانی، ثبت جزئیات تخلف در پرونده‌ای ویژه در نشریه دریافت کننده مقاله برای مدت طولانی از وظایف سردبیران در مقابله با چنین تخلف‌هایی است. بدیهی است رئیس بخش محل خدمت مؤلف نیز سیاست‌های تنبیهی خاص خود را در خصوص مؤلف از لغو بودجه‌های پژوهشی و امتیازات مربوط، درج نامه توبیخ برای تخلف انجام شده در پرونده و حذف موقعیت شغلی عضو خاطی بر حسب مورد، عهده‌دار خواهد بود. اخراج دانشجویان همکار در سوء رفتارهای پژوهشی انجام شده نیز قابل انتظار است [۲].

۴- موانع کنترل اجتماعی سوء رفتار پژوهشی

نظم صحیح جامعه علمی و متعاقب آن کارکرد صحیح راهکارهای کنترل اجتماعی باعث می‌شود تا محققان و سازمان‌های ردیابی کننده سوء رفتارهای علمی، بدون نگرانی آنها را گزارش کنند. هر چند عوامل بسیاری از وقوع این موضوع جلوگیری می‌کند. ریشه عدم تمایل افراد یا سازمان‌ها نسبت به گزارش سوء رفتارهای علمی در دو سطح فردی و مؤسسات بوضوح قابل بررسی است. مبهم بودن تعریف سوء رفتار، نگرانی مردم از عواقب و پیامدهای منفی چنین گزارشی در زندگی فردی آنها، اعتقاد محققانی با جایگاه تخصصی والا در خصوص ناشایست بودن نقد یا صدمه زدن به شهرت همکاران دیگر، اعتقاد به قابل توجه بودن هر وسیله‌ای برای پیشرفت علم، می‌تواند از دلایل موجود در سطح فردی باشد. در سطح مؤسسات نیز مواردی نظیر ناشایست بودن تخریب شهرت مؤسسات، احتمال تحریم مؤسسات از منابع مالی یا منابع بالاسری، احتمال پرداخت

گرامت از دلایل اصلی عدم گزارش سوء رفتار پژوهشی است [۳].

۵- درمان سوء رفتار پژوهشی

دانشگاه‌ها در درمان رفتارهای ناشایست پژوهشی می‌توانند نقش خردمندانانه برای برخورد با این موضوع داشته باشند و کناره‌گیری و عدم تلاش آنها، فقط وضعیت را حادث‌تر خواهد کرد [۲]. در کنار نظام داوری موشکافانه، به نظر می‌رسد مسئولان ذریبط نیز موظفند ضمن کنکاش بیشتر در موارد مشکوک و اطمینان از تحقق سوء رفتار پژوهشی، موارد را در جزئیات با یکدیگر به اشتراک بگذارند. شایان ذکر است هرچند بازداری، ردیابی و اتخاذ تنبیه برای سوء رفتارهای علمی به صورت فردی غیر ممکن است، اما می‌توان با توجیه و تشریح نمودن موضوع مورد نظر و تنبیه‌های مؤثر به نتیجه مطلوب نزدیک شد [۳].

از دیگر عوامل محدود کننده سوء رفتارهای پژوهشی، توجه نمودن عمیق مؤلفان به آیین‌نامه‌های کپی‌رایت (حفظ حقوق مؤلف) [۵]، دستورالعمل‌های اخلاقی نظیر موارد منتشر شده به وسیله هیأت اخلاق در انتشار (COPE, ۲۰۱۱) و آکادمی مدیریت (AOM, ۲۰۰۶) است [۲]. در این راستا لازم است تلاش بیشتری برای آشنا نمودن مؤلفان با چنین دستورالعمل‌هایی است از سوی ناشر یا سردبیران مجلات اختصاصی یابد. در نهایت، مؤلفانی که با تقاضای سردبیران بی‌پروا برای گنجینیدن منابع بلااستفاده و زائد روبرو می‌شوند، باید صبورانه به عنوان یک اصل از پذیرش آن امتناع کنند. همچنین ضروری است مؤلفان در برخورد با این مشکل از سوء رفتار پژوهشی سردبیر مربوط، توجه ناشر و اعضای ارشد هیأت مشاوره مجله را به این موضوع جلب نمایند [۲].

افزون بر مطالب ذکر شده در بالا، نویسندگان این مقاله معتقدند استمرار بر کنترل سوء رفتارهای پژوهشی در جهان علم در کنار راهکارهای خود کنترلی، بر مبنای ارتقای قوانین، وضع روش‌ها و نهادهای نظارتی جدید و روزآمد کردن مستمر آنها با توجه به رویه‌های زیر امکان‌پذیرتر باشد:

الف) تصریح و روشن سازی هنجارهای اخلاقی در صداقت پژوهش با تمام جزئیات و افزایش کارآمدی آنها با آشنا ساختن مؤثر و قانونمند جوامع دانشگاهی و پژوهشی با آنها؛

ب) بهبود شاخص‌های ارزش گذاری بر فعالیت پژوهشی و ارتقای اعضای علمی با ورود معیارهای ارزشی و اخلاقی در صداقت پژوهش نظیر ضریب پایبندی به معاهدات اخلاقی؛

ج) ارزش گذاری افزون تر برای کارهای تحقیقاتی انجام شده به صورت گروهی در سطح خرد یا کلان به صورت ملی، منطقه‌ای و بین المللی؛

د) اصلاح نظام ارتقای مرتبه دانشگاهی با عدم اتکای صرف به کمیت مقالات و جایگزینی مقالات کیفی در نشریات بهره‌مند از معیارهای علمی و ارزشی.

ه) تعریف معیارهای ارزشی بین المللی نظیر ضریب پایبندی به معاهدات اخلاقی در پژوهش برای مجلات و الحاق آن به ضریب نفوذ مجلات (JIF) به منظور ساخت ضریب جدید ترکیبی و مؤثر به منظور اصلاح نظام رتبه‌بندی آنها. این موضوع همچنین می‌تواند ضمن جلوگیری از انتشارات آسیب‌زا، شیوه‌ای انگیزشی برای افزایش پایبندی دیگر نشریات به اخلاق و بهره‌مندی متعاقب آنها از ضریب ترکیبی را باعث شود.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، ضمن بیان اهمیت صداقت پژوهش در تحقیقات علمی، به وجود سوء رفتارهای پژوهشی در سطح جهانی و توسعه و شکل‌گیری اشکال جدید و مخاطره‌آمیز آن برای جامعه علم اشاره شده است. به دلایلی واضح، مهار پدیده‌های ناشایست نظیر سوء رفتار پژوهشی بدون شناخت آن در کلیات و جزئیات، خواستگاه، شکل‌های پیدا و پنهان، عوامل بیرونی و درونی مؤثر در شکل‌گیری و رشد آن میسر نمی‌باشد. موارد ذکر شده، قطعاً تنها عوامل توفیق در حفظ و مهار پدیده‌هایی از این دست نخواهد بود.

شناخت، حفظ و توسعه موازین اخلاقی، تلاش بیشتر برای وارد کردن دستورالعمل‌های اخلاقی افزون بر قوانین و مقررات در کانون توجه پژوهشگران، نویسندگان، داوران، سردبیران و نشریات از عوامل توفیق در رویارویی با نزول اخلاق علمی، پدیده مخرب سوء رفتار پژوهشی و کاهش هزینه‌های مترتب بر آن خواهد بود. به این عوامل به طور قطع باید تعدیل و تصحیح قوانین امتیازآور برای جوامع علمی و نظام‌های اشتغال و ارتقا براساس ملاک‌های ارزشی را نیز افزود. ملاک‌های ارزشی یادشده می‌تواند به صورت ضریب پایبندی به معاهدات اخلاقی و صداقت پژوهشی، افزایش احساس مسئولیت تمام جامعه علمی، جامعه نشر و مخاطبان در برخورد با رخداد چنین پدیده ناشایستی در نظر گرفته شود.

تقدیر و تشکر

قدردانی صمیمانه خود را تقدیم می‌کنیم به همه آنانی که تلاش و کوششان، حفظ ارزش‌ها در همه سطوح و بویژه در جوامع علمی است. آنانی که با بینش و دوراندیشی صحیح و تدوین مقرراتی کارآمد، ضمن روشن سازی محدوده‌های غیرممنوع ولی غیرمجاز، با آموزش و پرورش نسلی متخلق به اخلاق شخصی و اجتماعی و با طراحی رقابتی سالم، صداقت و کرامت آموزشی و پژوهشی را پاس داشته و در راستای ارتقای آن می‌کوشند.

همچنین از استاد ارجمند جناب آقای دکتر موسوی موحدی به سبب راهنمایی‌های ارزشمندشان در تدوین این مقاله صمیمانه قدردانی می‌نماییم.

منابع مأخذ

- conduct in Biomedical Research Lock", Edited by, BMJ Books, London, 264p.
- [7]. Michael C. Loui. (2002). "Seven Ways to Plagiarize: Handling Real Allegations of Research Misconduct", Science and Engineering Ethics, Vol. 8, PP. 529-539.
- [8]. Dooley, J. J., Kerch, H. M. (2000). "Evolving Research Misconduct Policies and Their Significance for Physical scientists", Science and Engineering Ethics, Vol.6, PP.109-121.
- [9]. Proceedings of the Retreat on: "The Journal's Role in Scientific Misconduct" (2003). Resort and Conference Center Lansdowne, Lansdowne, Virginia.
- [۱۰]. موسوی موحدی، ع. ا. (۱۳۷۶). "شیوه‌های نشر و اشاعه یافته‌های علمی، مجموعه مقالات همایش روش‌شناسی و فنون تحقیق"، دانشگاه، تهران، صفحات ۲۳۸ - ۲۰۴.
- [۱۱]. موسوی موحدی، ع. ا.، کیانی بختیاری، ا.، چمنی، ج. خ. (۱۳۸۲). "روش‌های تولید و اشاعه یافته‌های علمی"، مجله رهیافت، فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی، شماره ۳۱، صفحات ۱۹-۵.
- [12]. Flynn, L. R., Goldsmith, R. E. (2013). "Case Studies for Ethics in Academic Research in the Social Sciences", SAGE Publications Inc., Washington DC, 104p.
- [۱]. موسوی دوست، س.، فنودی، ح. (۱۳۸۹). "تخلفات و دستبردهای علمی و ادبی". نشریه نشاء علم، سال اول، شماره اول، صفحات ۲۹-۲۱.
- [2]. Editorial. (2013). "Whither Research Integrity? Plagiarism, Self-Plagiarism and Coercive Citation in an Aage of Research Aassessment" , Research Policy, Vol. 42, PP. 1005- 1014.
- [3]. Lee, J. (2011). "The Past, Present, and Future of Scientific Misconduct Research: What Has Been Done? What Needs to be Done?". Journal of the Professoriate, Vol. 6, PP. 67-83.
- [4]. National Academy of Sciences, National Academy of Engineering, and Institute of Medicine. (1995). "On Being a Scientist: Responsible Conduct in Research", 2nd ed., National Academies Press, Washington DC, 39p.
- [۵]. نادری، م.، رحیمی وقار، ر.، موسوی موحدی، ع. ا. (۱۳۹۰). "رهنمودهای اخلاقی برای نویسندگان نوشتارهای پژوهشی"، نشریه نشاء علم، سال دوم، شماره اول، صفحات ۵۷-۵۳.
- [6]. Wells, S. Farthing, F., M. (2001). "Fraud and Mis-